

چچن؛ استخوانی در گلوی روسیه و پوتین



نیروهای روسیه دور جدیدی از عملیات نظامی را در چچن آغاز کرده‌اند، عملیاتی که به دلیل حملات انتحاری جنگجویان چچن، با تلفات فراوان همراه است

جنگ پوتین در چچن نه ماهه شده و اخبار آن به تدریج برای روس‌ها به صورت عادی درآمده است. در اوایل، در سرتاسر جبهه‌های جنگ سربازان روس به آسانی به سنگرهای وارد می‌شدند که قبلاً در اختیار جنگجویان چچنی بود ولی امروز آنها باید برای تسخیر هر یک از این سنگرها به نبردهای خونین با چچنی‌ها دست بزنند. در کوه‌های جنوب گروزی مرکز چچن واحدهای شورشی آزادانه و با اعتماد به نفس فعالیت جنگی دارند و با اعتقاد کامل به پیروزی می‌گویند سرانجام روس‌ها را به پست مرزهای چچنی عقب خواهند راند. اما مسکو و فرمانروای جدید کرملین به عکس آن فکر می‌کنند و می‌گویند نبرد علیه گروه تروریستی چچنی‌ها (به قول مسکو) تازه آغاز شده و حتی ممکن است علیه کسانی که این شورشی‌ها را حمایت می‌کنند، به ویژه گروه‌های تندرو اسلامی مستقر در شمال افغانستان گسترش داده شود. وقتی پوتین از کشورهای آسیای میانه که با افغانستان هم‌مرز هستند دیدن می‌کند و یا با مشاورانش از این مناطق سخن می‌گوید نظامیان او یادآور می‌شوند که چگونه ارتش بزرگ شوروی با تمام اقتدارش مجبور شد در سال‌های ۱۹۸۰ شکست در افغانستان را بپذیرد و تن به تحقیری بدهد که در تاریخ شوروی نظیرش دیده نمی‌شود. به همین دلیل مسکو با احتیاط بسیار درباره یک درگیری دیگر در افغانستان سخن می‌گوید و تنها به احتمال بمباران پایگاه‌های آموزشی رزمندگان مسلمان در خاک افغانستان اشاره می‌کند. مسکو معتقد است جنگجویان چچنی در این پایگاه‌ها آموزش می‌بینند و سلاح‌های خود را نیز از افغان‌ها دریافت می‌کنند. طالبان، گروهی مسلمان تندرو که حکومت را در افغانستان در دست دارند نه تنها ادعای روسیه را رد نمی‌کنند، بلکه علناً به حمایت از جنگجویانی که در روسیه با نیروهای ارتش روس در حال جنگند، معترف هستند. پوتین چندی پیش از مرزهای ازبکستان با افغانستان دیدن کرد و بلافاصله پس از آن سخنگوی کرملین در بیانیه‌ای تأکید کرد: «ما احتمال حملات بازدارنده علیه تهدید منافع

انفجارهای متعدد در روسیه به پوتین این هشدار را می‌دهد که در صورت بروز یک درگیری دیگر در خاک افغانستان باید در انتظار انفجارهای متعددتر و بزرگ‌تر باشد. از سویی رهبران دو کشور همسایه افغانستان یعنی ازبکستان و ترکمنستان که در دوران امپراتوری شوروی نیز در کادر رهبری این دو کشور حضور داشتند باتجربه و خاطراتی که از شکست تلخ ارتش شوروی در افغانستان دارند معلوم نیست موافقت کنند از خاک یا فضای آنها برای حمله به افغانستان استفاده شود. از سویی نفوذ ایالات متحده در این دو کشور و فشار آن برای خارج ساختن دو کشور زیر نفوذ روسیه نیز می‌تواند روسیه را در این زمینه با ناکامی روبه‌رو سازد. آمریکایی‌ها پس از فروپاشی شوروی فعالیت‌های گسترده‌ای را در این دو کشور به ویژه در زمینه اکتشاف و استخراج نفت آغاز کرده‌اند که موجب شده در کادر رهبری دو کشور نفوذ پیدا کنند و در موارد ضروری این نفوذ را در مسایل سیاسی به کار گیرند. در

روسیه در این منطقه را منتفی نمی‌دانیم.» پوتین در ازبکستان ضمن امضای چند موافقتنامه امنیتی گفتگوهای مفصلی با مقامات نظامی این جمهوری سابق شوروی انجام داد و مسأله بمباران پایگاه‌های آموزشی واقع در خاک افغانستان را با آنها بررسی کرد.

یک درگیری مجدد در افغانستان با تحقیری که ارتش شوروی در پی تخلیه خاک افغانستان در سال ۱۹۸۹ متحمل شد و موجبات سقوط سریع‌تر امپراطوری شوروی را فراهم آورد می‌تواند بار دیگر فاجعه‌ای را برای روسیه در برداشته باشد. کمترین لطمه‌ای که روسیه از این درگیری متحمل خواهد شد تشدید احساسات ضدروسیه در کشورهای اسلامی است که مسکو همواره از آن هراس داشته است. «آندره پیونت کوفسکی» یک تحلیل‌گر در مرکز مطالعات استراتژیک مسکو می‌گوید: «این بار اصول‌گرایان مسلمان به جای حمله به سفارتخانه‌های آمریکا، سفارتخانه‌های روسیه را به آتش خواهند کشید.»

بسیاری از موارد، آمریکایی‌ها از این هم با فراتر نهاده و با بسیاری از ۱۴ جمهوری سابق شوروی برنامه‌های همکاری‌های نظامی تحت عنوان مشارکت برای طرح‌های صلح به اجرا درآورده‌اند. چنین فعالیت‌هایی برای نظامیان روسی یک سرشکستگی به شمار می‌آید و آنها را وادار ساخته پوتین را برای اعاده حیثیت ارتش روسیه تحت فشار قرار دهند و از او مطالبه بودجه بیشتر برای اهداف نظامی کنند.

یک ریسک خطرناک

یک منبع دیپلماتیک غربی پس از امضای چند قرارداد نظامی میان پوتین و رهبران ازبکستان و ترکمنستان می‌گوید فرماندهی عالی اتحاد شوروی سابق در قالب روسیه کنونی گام به گام به مواضع پیشین خود باز می‌گردد و هدف آن از تهدید افغانستان این است که مثل گذشته بگوید چه کسی در منطقه فرمان می‌دهد. این دیپلمات اضافه می‌کند که بعید نیست روسیه برای اثبات برتری خود در افغانستان دست به یک ماجراجویی نظامی بزند، به ویژه پس از حمله موشکی آمریکا به مقر اسامه بن لادن در افغانستان و تهاجم گسترده ناتو به یوگوسلاوی، روسیه برای کسب یک پیروزی نظامی و دندان نشان دادن به غرب بی‌میل به اقدام به چنین نمایش نظامی نیست. روس‌ها همچنین می‌خواهند بگویند همان‌طور که آمریکا حمله موشکی به افغانستان را از نظر بین‌المللی توجیه می‌کرد آنها نیز می‌توانند این حق را برای خود محفوظ نگاه دارند و هر موقع که لازم بدانند تهاجمی هوایی علیه افغانستان انجام دهند. بیل کلینتون پس از آن‌که در مورد حمله عوامل اسامه بن لادن به سفارتخانه‌های آمریکا در تانزانیا و کنیا متقاعد شد مناطقی را در افغانستان که به گفته او پایگاه اصلی تروریست‌های بین‌المللی بود هدف چندین موشک دوربرد قرار داد. روس‌ها نیز تأکید می‌کنند که افغانستان و پاکستان هزاران شبه نظامی مسلمان را در پایگاه‌هایی در خاک افغانستان آموزش داده و برای انجام عملیات تروریستی به نقاط مختلف جهان و از جمله چین اعزام کرده‌اند و بن لادن نیز همچنان به حمایت‌های خود از این جریان ادامه می‌دهد. پوتین در ملاقات‌های خود با بیل کلینتون همواره بر اتخاذ یک موضع مشترک برای همکاری در زمینه مبارزه با اصول‌گرایان مسلح اسلامی (به قول او تروریست‌های اسلامی)



ولادیمیر پوتین

نظامی است. ملامحمد عمر رهبر طالبان همچنین اجازه داده است مخالفان چچنی روس‌ها اقدام به گشودن سفارتخانه در کابل کنند. شورشیان کشمیری که در افغانستان به سر می‌برند نیز اجازه یافته‌اند از امکانات مالی و نظامی و پایگاه‌های چچنی‌ها در خاک افغانستان استفاده کنند.

کریم‌اف با توجه به سوابق همسایگی با افغانستان و حوادثی نظیر اشغال مزار شریف توسط طالبان که تقریباً در مرز ازبکستان واقع است به خوبی می‌داند که هر دخالت روسیه در طول مرزهایش با افغانستان خطرات بزرگی برای او در بر دارد. «الکساندر بیکایف» یک تحلیل‌گر نظامی در مرکز کارنگی مسکو به عواقب دخالت روسیه در افغانستان اشاره می‌کند و می‌گوید: «چنین ریسکی همه منطقه را متشنج می‌کند و می‌تواند همه کشورهای آسیای میانه را در آستانه یک انفجار قرار دهد.»

روسیه قادر نیست مانند آمریکا برای هدف قرار دادن افغانستان که از آب‌های ساحلی پاکستان استفاده کرد مستقیماً از خاک خود افغانستان را هدف قرار دهد و موشک‌هایش به ناچار باید از فضای ازبکستان عبور کنند و به افغانستان برسند و این در حالی است که طالبان همواره گفته تجویز استفاده روس‌ها از فضای ازبکستان از سوی اسلام کریم‌اف را یک عمل خصمانه تلقی کرده و در برابر آن اقدامات تلافی جویانه به عمل خواهد آورد. کریم‌اف در پاسخ به خبرنگاران که نظر او را درباره چنین حمله‌ای جویا می‌شوند معمولاً از اظهار نظر صریح طفره می‌رود و می‌گوید هنوز زمان آن فرا نرسیده که در این باره جدی فکر کرد.

همکاران پوتین در مسکو نیز چیزی بیش از این نمی‌گویند و معتقدند حمله روسیه به خاک افغانستان نه تنها طالبان را متعهد به جنگ با روس‌ها می‌کند بلکه دیگران را نیز در جهان اسلام به خشم می‌آورد و باعث خواهد شد کمک‌های خود را به جنگجویان چچن که مستقیماً با ارتش روسیه درگیر هستند، افزایش دهند. به این دلایل سخن گفتن نامسئولانه و بی‌محابا درباره تهاجم روسیه به افغانستان فقط می‌تواند یک گزافه‌گویی سیاسی باشد، نه یک تدبیر خردمندانه.

مأخذ: مجله نیوزویک ۵ ژوئن ۲۰۰۰
برگردان از بخش ترجمه و گزارش



اصرار ورزیده، اما هیچ‌گاه پاسخی صریح دریافت نکرده است. پوتین امروز مایوس از همکاری آمریکا به متحدان خود در جمهوری‌های سابق شوروی، به ویژه ازبکستان و ترکمنستان روی آورده و ظاهراً موافقت آنها را برای یک تهاجم هوایی به خاک افغانستان جلب کرده است. اسلام کریم‌اف رهبر ازبکستان از سرسخت‌ترین مخالفان چریک‌های مسلمان است و از هر پیشنهادی برای سرکوب آنها حمایت می‌کند، با این حال در مورد تهاجم هوایی به پایگاه‌های آنها در خاک افغانستان جنبه احتیاط را از دست نمی‌دهد و معتقد است چنین حمله‌ای جنگجویان مسلمان را در مبارزه‌شان علیه دولت‌های کشورهای آسیای میانه سازمان یافته‌تر می‌کند. کریم‌اف به دلیل خصومتش با حرکت‌های اسلامی همواره هدفی از قبل تعیین شده برای چریک‌های مسلمان بوده است. در فوریه ۱۹۹۹ پنج بمب در تاشکند منفجر شد که بر اثر آن شانزده تن جان خود را از دست دادند. کریم‌اف در پاسخ به این اقدام یک سلسله بازداشت‌ها، شکنجه‌ها و محاکمات را آغاز کرد که در آنها هزاران تن از تندروهای اسلامی قربانی شدند. زندانیان زیادی زیر شکنجه تلف شدند و گروه‌گروه از مسلمانان مخالف کریم‌اف به خاک افغانستان گریختند و سازمانی را تحت عنوان نهضت اسلامی ازبکستان در کابل و شمال مزار شریف تشکیل دادند که در حال حاضر دو هزار رزمنده مسلمان را زیر پرچم خود دارد و رسماً در کابل دارای یک دفتر سیاسی و